

بررسی تطبیقی معماری کاخ‌ها و خانه‌های اشرافی ساسانیان

احسان طهماسبی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سروستان، گروه معماری، فارس، ایران.

tahmasbi.e@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۵/۲۰
(از ص ۱۵۳ تا ۱۶۸)

چکیده

از دوره‌ی ساسانیان بناهای متعددی شناخته شده که اغلب آن‌ها به کاخ مشهورند. هدف اصلی این مقاله شناخت کیفیت زندگی در دربار ساسانیان و درک معماری‌ای است که برای این نوع زندگی پدید آمده است. برای رسیدن به این مقصود، از یک سو نقشه‌های معماری کاخ‌ها را تحلیل و از سوی دیگر مستندات تاریخی را بررسی می‌کنیم. روش تحقیق مقاله تفسیری - تاریخی و تحلیل تطبیقی آرایش معماری است. پرسش‌های اصلی آن درباره‌ی چگونگی تأثیر آیین‌های مذهبی و تشریفات بر معماری ساسانیان، شناخت عرصه‌های سکونت آن‌ها، کیفیت زندگی درون کاخ‌ها، و درک عناصر اصلی و آرایش معماری کاخ‌ها و خانه‌های اشرافی آن دوره است. برای این منظور، نخست، مراسم آیینی در دربار ساسانیان را بررسی خواهیم کرد تا بدانیم چه نسبتی میان آن‌ها برقرار بوده است. پس از آن، عرصه‌های سکونت در آن دوره را مروری کوتاه می‌کنیم تا با مکان‌های زندگی روزمره‌ی دربار و مردم آشنا شویم. برای درک درست‌تر ویژگی‌های معماری ساسانیان نیاز داریم که کیفیت‌های معماری دوران پیش از آن را نیز بشناسیم، از این رو معماری چند کاخ هخامنشی و پارتی را مطالعه و در جدولی آن‌ها را مقایسه خواهیم کرد. در بخش آخر و اصلی مقاله شماری از بناهای دوره‌ی ساسانیان را که به کاخ یا خانه بودن آن‌ها اطمینان بیشتری داریم، بررسی می‌کنیم و در پی آنیم که به ویژگی‌های اصلی معماری آن‌ها پی ببریم و نیز با یک‌دیگر مقایسه کنیم. در پایان مشخص شد که مهم‌ترین خصوصیات آن‌ها نامتقارن بودن ساختار هندسی، جدایی بخش اندرونی و بیرونی، تنوع فضایی فراوانی، وجود نمازخانه‌ی خصوصی، و نقش مهم ایوان در سازمان فضایی مجموعه است. از دیگر نتایج مهم این تحقیق شناسایی سه گونه کارکرد در کاخ‌های ساسانیان است که زندگی تشریفات، خصوصی، و مذهبی را در بر می‌گیرد.

کلیدواژه‌گان: مراسم درباری، ساسانیان، آرایش معماری کاخ‌ها و خانه‌های اشرافی، فضاهای آیینی و تشریفات و سکونت.

مقدمه

از دوره‌ی ساسانیان بناهای متعددی می‌شناسیم که بیشتر آن‌ها به کاخ و شماری نیز به آتشکده و چهارطاق مشهورند. کاوش و معرفی اغلب این آثار به‌دست پژوهشگران غربی انجام شده که برخی از آن‌ها از نظر نخستین جهانگردان و شرق‌شناسانی که از در پایان اواخر نوزدهم و اوایل قرن بیستم به ایران آمده بودند مانند، اوژن فلاندن و پاسکال کست^۱، ژان دیلافوآ^۲، و دموگان^۳ پیروی کرده‌اند. شماری نیز با نگاهی دقیق‌تر و معمارانه‌تر به موضوع نگریسته‌اند. با این همه، نوشته‌های آن‌ها کاستی‌هایی نیز دارد، مثلاً بسیاری از بناها را به علت عظیم و ناشناخته بودن به‌طور کلی کاخ نامیده‌اند، اما به این که چرا کارکرد یا کارکردهای دیگری نمی‌توان به آن‌ها نسبت داد و این که کاخ تشریفاتی هستند یا سکونت به روشنی نپرداخته‌اند. این عنوان، در بیشتر موارد، بدون آن که دوباره بررسی شود، بر بسیاری از آثار پیش از اسلام ایران باقی مانده و اکثر مورخان و محققان ایرانی نیز از نوشته‌ها و ترسیمات آنان برای تشریح معماری ساسانیان استفاده کرده‌اند. در چند دهه‌ی اخیر، برخی محققان غربی و ایرانی شماری از بناهای منسوب به دوره‌ی ساسانی را دوباره بررسی کرده و به نتایج تازه‌ای رسیده‌اند که در برخی موارد کارکرد و نقشه و بازسازی‌های فرضی پیشین را به چالش کشیده است^۴. اما در این مقاله نمی‌خواهیم به بحث درباره‌ی آثاری چون بناهای منسوب به دوره‌ی ساسانی سروستان و فیروزآباد و دامغان، که کاربرد اصلیشان هنوز مبهم است، پردازیم، زیرا این به پژوهش‌های جداگانه‌ی مفصلی درباره‌ی هر یک از آن‌ها نیاز دارد. بنابراین، به آثاری خواهیم پرداخت که به کاخ تشریفاتی یا سکونت بودن آن‌ها اطمینان بیشتری داریم.

روش تحقیق اصلی مقاله تفسیری - تاریخی به‌هم‌راه تحلیل فضاهای معماری است. در این پژوهش از یک‌سو نقشه‌ها و فضاهای کاخ‌ها و خانه‌های اشرافی را از نظر معماری تحلیل می‌کنیم و از سوی دیگر می‌کوشیم تا با شناخت حکومت ساسانیان و بستر تاریخی و جغرافیایی آن، کیفیت زندگی انسان آن دوره را بهتر بشناسیم تا بفهمیم برای آن زندگی به چه فضاهایی نیاز داشته است. نتیجه‌گیری از این دو بحث را به کمک منابع مکتوب و نظر دیگر پژوهشگران و استدلال منطقی انجام خواهیم داد. پرسش‌های اصلی این تحقیق چنین‌اند: آداب آیینی و تشریفاتی چه نقشی در دربار ساسانیان داشته و چه تأثیری بر معماری آنان گذاشته است؟ عرصه‌های سکونت در آن دوره چه کیفیتی داشته است؟ عناصر اصلی و آرایش معماری کاخ‌ها و خانه‌های مسکونی ساسانیان چگونه بوده است؟ کاخ‌ها دارای چه بخش‌ها و کارکردهای اصلی‌ای بوده و زندگی درون فضاهایشان چه کیفیتی داشته است؟ شباهت و تفاوت‌های اصلی بناهای سکونت و تشریفاتی ساسانیان چه بوده است؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، نخست، مراسم آیینی در دربار ساسانیان را بررسی خواهیم کرد تا بدانیم چه نسبتی میان آن‌ها برقرار بوده است. پس از آن، عرصه‌های سکونت در آن دوره را مروری کوتاه می‌کنیم تا با مکان‌های زندگی

1. O. Flandin and P. Coste

2. J. Dieulafoy

3. Demorgan

۴. از مهم‌ترین آنها بنای مشهور به کاخ سروستان است که لایونل بی‌یر آن را آتشکده‌ای متعلق به اوایل دوره‌ی اسلامی دانسته است. ن. ک به: Bier, Lionel. (1986) Sarvistan, a Study in Early Iranian Architecture

روزمره‌ی دربار و مردم آشنا شویم. برای درک درست‌تر ویژگی‌های معماری ساسانیان نیاز داریم که کیفیت‌های معماری دوران پیش از آن را نیز بشناسیم، زیرا به تأثیرپذیری معماری هر دوره از دوران قبل‌تر اعتقاد داریم، هر چند این معنای شباهت کامل میان آن‌ها نیست. از این‌رو معماری چند کاخ هخامنشی و پارتی را مطالعه خواهیم کرد. در بخش آخر و اصلی مقاله شماری از بناهای دوره‌ی ساسانیان را که به کاخ یا خانه بودن آن‌ها اطمینان بیشتری داریم، بررسی می‌کنیم و در پی آنیم که به ویژگی‌های اصلی معماری آن‌ها مانند عناصر اصلی و آرایش معماری و ساختار هندسی و کارکرد فضاهایشان پی ببریم. در پایان به دیگرامی رسیده‌ایم که ساختار معماری معمول کاخ‌های سکونتی و خانه‌های اشرافی مشهور ساسانیان را نشان می‌دهد.

هدف اصلی این پژوهش شناخت کیفیت زندگی در دربار ساسانیان و درک معماری‌ای است که برای این نوع زندگی پدید آمده است. افزون بر آن، این فرضیه را پی می‌گیریم که در مطالعه‌ی آثار معماری ساسانیان نباید به کارکردهای درباری و آیینی به شکل کاملاً منفک بنگریم، هم‌چنین باید میان کاخ‌هایی که کارکرد اصلی‌شان تشریفاتی است و آن‌هایی سکونتی است، تفکیک قایل شویم. برای این مطالعه، بیشتر از تاریخ‌نامه‌ها و پژوهش‌هایی که در دوره‌ی معاصر درباری معماری ایران پیش از اسلام، به‌ویژه بناهای ساسانیان، انجام گرفته، استفاده شده است و تلاش کرده‌ایم از نقدها و بررسی‌ها جدید و قدیمی بهره ببریم. در مواردی نیز از متون تاریخی کمک گرفته‌ایم.

مراسم درباری در دوره‌ی ساسانیان

در حکومت ساسانیان، به علت پیوند محکم میان دین و دولت، مراسم مذهبی و درباری بسیار به یکدیگر نزدیک بود و حتی گاهی به یک رویداد بدل می‌شد. این پیوند مهم از همان آغاز سلطنت هر پادشاه، با افروختن و وقف کردن یک آتش اتفاق می‌افتاد. (فرای، ۱۳۸۳: ۳۳۶) مراسم تاج‌گذاری در حضور روحانیان و درباریان و خانواده‌ی سلطنتی و احتمالاً هم در یک مکان سیاسی و هم در یک مکان دینی انجام می‌شده است، چنان‌که یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی، در معبد استخر تاج‌گذاری کرد. (کریستنسن، ۱۳۸۴: ۱۱۵) به‌نظر برخی پژوهشگران مانند م. ل. شومون^۱ «شاید خردمندانه این باشد که امکان دو تاج‌گذاری متمایز و در پی هم را در نظر گرفت. نخستین آن‌ها، که در نامه‌ی تنسر بازتاب یافته [است] و شاید بهتر باشد که آن را بر تخت‌نشینی بخوانیم، در برابر شاهزادگان همخون و بزرگان و محتشمان، بی‌درنگ پس از اعلام پادشاهی و در همان جایی که پادشاهی اعلام می‌شد، انجام می‌گرفت. تاج‌گذاری دوم را احتمالاً باشکوه فراوان در برابر آتش مقدس و بی‌گفت‌وگو در حضور مغان جشن می‌گرفتند. دلایل فراوان در دست است که باور کنیم این آیین، گذشته از گذاشتن تاج، شعایر اعطای دینی را نیز در بر می‌گرفت. پس می‌توانیم حدس بزنیم که آیین نخستین در تخت‌گاه سیاسی، یعنی تیسفون انجام می‌گرفت، اما آیین دوم را در تخت‌گاه دینی برگزار می‌کردند.» (یارشاطر، ۱۳۸۰: ۳۱۷). مسایل دینی در زندگی روزانه‌ی دربار نیز پاس داشته می‌شد، در منابع از انجام مراسم آیینی هنگام خوردن غذا سخن گفته

1. M. L. Chaumont

شده است.^۱ (دریایی، ۱۳۸۴: ۱۱۹) در مراسم خاص دربار، شاه کاملاً از دیگران جدا می‌نشست و اشخاص دیگر، بر پایه‌ی مقامشان، با فاصله از وی قرار می‌گرفتند. کسانی که جای آن‌ها از شاه دور بود، منزلت پایین‌تری داشتند و اگر جای او را دورتر محل قبلی می‌بردند، نشان‌دهنده‌ی تنزل مرتبه‌ی او بود (مسعودی، ۱۳۸۲: ۲۶۱). بنابراین باید انتظار داشته باشیم که در کاخ‌ها فضایی مهم را برای مراسم بارعام در نظر گرفته بوده باشند؛ هم‌چنین تصور فضایی برای انجام مراسم مذهبی نیز دور از ذهن نیست.

عرصه‌های سکونت در دوره‌ی ساسانیان

درباره‌ی چگونگی فضاهای زندگی روزمره‌ی طبقات مختلف جامعه در ایران دوره‌ی ساسانی، به‌ویژه در آغاز آن، تصویر روشنی نداریم و این ابهام درباره‌ی طبقات پایین‌تر و مردم عادی بیشتر است. نکته‌ی بسیار مهمی که باید به آن اشاره کرد، این است که از گذشته‌های دور تا کنون، بخش قابل توجهی از جمعیت ایران کوچ‌نشین بوده است و هر چه بیشتر به گذشته بازگردیم، نقش جامعه‌ی کوچ‌نشین پررنگ‌تر می‌شود. بنابراین در دوره‌ی ساسانیان نیز «ویژگی ثابت [جامعه‌ی ایرانشهر] عبارت است از همزیستی جمعیت ساکن و جمعیت کوچ‌رو و یا چادرنشین» (دریایی، همان: ۱۴۱). بیشتر جمعیت ساکن در روستاها زندگی می‌کردند و شمار دیگر در شهرهای کهن و نوین‌یاد اسکان یافته بودند. چون خانه‌های مردم معمولاً دارای شیوه‌ی ساخت و مصالح ناپایدارتری نسبت به معابد و کاخ‌ها بود، بر اثر تغییر جمعیت و حکومت و جنگ و حوادث طبیعی بیشتر دچار دگرگونی و زوال می‌شد که این باعث کاهش می‌پردازیم اطلاعات ما درباره‌ی آن‌ها شده است.

به‌نظر باستان‌شناسان و مورخان دوره‌ی معاصر، شاه و درباریان در کاخ‌ها و کوشک‌هایی زندگی می‌کردند، این بناها در املاک سلطنتی که به آن دست‌گرد یا دستکرت می‌گفتند، قرار داشت (پیگولوسکایا، ۱۳۷۷: ۲۹۰)، اما دانسته‌های ما در این باره نیز چندان دقیق نیست و نکات مبهمی وجود دارد. نخست آن‌که بیشتر این بناها متعلق به میانه و پایان دوره‌ی ساسانیان هستند و درباره‌ی آغاز این دوره شواهد کم‌تری داریم. دوم آن‌که تاریخ ساخت و کارکرد برخی بناهایی که به این دوره نسبت داده شده‌اند، هنوز قطعی نیست و شماری از آن‌ها در پژوهش‌های جدیدتر دوباره بررسی و تاریخ‌گذاری شده‌اند. سرانجام آن‌که برخی شاهان ساسانی بیشتر زمان سلطنت‌شان را به نبرد و کشورگشایی سپری کردند و زمان زیادی برای اقامت داریم در یک مکان خاص نداشتند. حتی نقل شده است برای جلوگیری از توطئه، بستر خوابشان را مدام تغییر می‌دادند (رجبی، ۱۳۸۲: ۶۴). با این همه گمان می‌بریم که مکان زندگی برخی شاهان و بزرگان در کاخ‌ها و خانه‌ی اربابی‌ها بوده است. تعدادی از این بناها نسبتاً پایدار بوده‌اند، اما شمار بسیاری از آن‌ها، به‌ویژه در منطقه‌ی میان‌رودان، که از مصالح کم‌دوام‌تری مانند خشت ساخته شده بودند، یا قربانی حوادث روزگار شدند یا در توسعه‌های دوران معاصر از میان رفته‌اند. مکان بسیار مهم‌دیگر برای زندگی دربار سلطنتی خیمه

۱. ن. ک. به: کارنامه اردشیر بابکان، ص ۴۹.

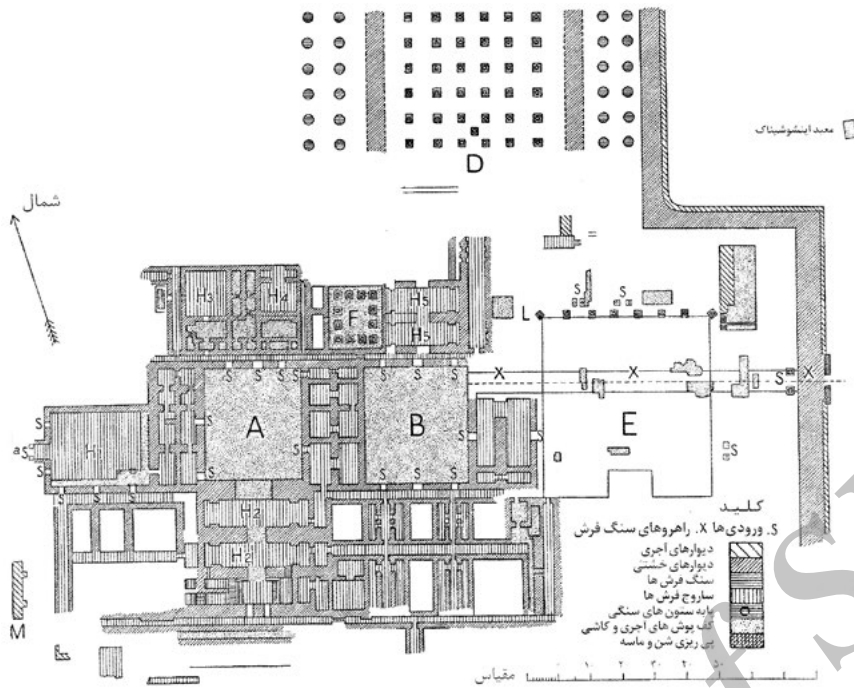
و خرگاه‌های باشکوه بوده است. از این چادرها در زندگی روزانه، جنگ، و شکار استفاده می‌کرده‌اند (هوف، ۱۳۷۹: ۱۹). این سنت از روزگار پیش از ساسانیان تا همین چند سده‌ی اخیر وجود داشته و روایت‌هایی نیز درباره‌ی زندگی شاهان و حاکمان صفوی و قاجار در این چادرها نقل شده است (کلایس، ۱۳۸۷: ۷۱). بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که کاخ‌های پرشماری از دوره‌ی ساسانیان به‌جا مانده باشد، به عبارت دیگر، کاخ‌ها یا به سکونت پادشاهان و حاکمان مهم اختصاص داشتند که در این صورت مجموعه‌ای بسیار مفصل بوده‌اند، و یا کاخ‌هایی تشریفاتی بوده که در تخت‌گاه‌های سلطنتی قرار داشته‌اند.

معماری کاخ‌های ایران در دوران امپراتوری‌های پیش از ساسانیان

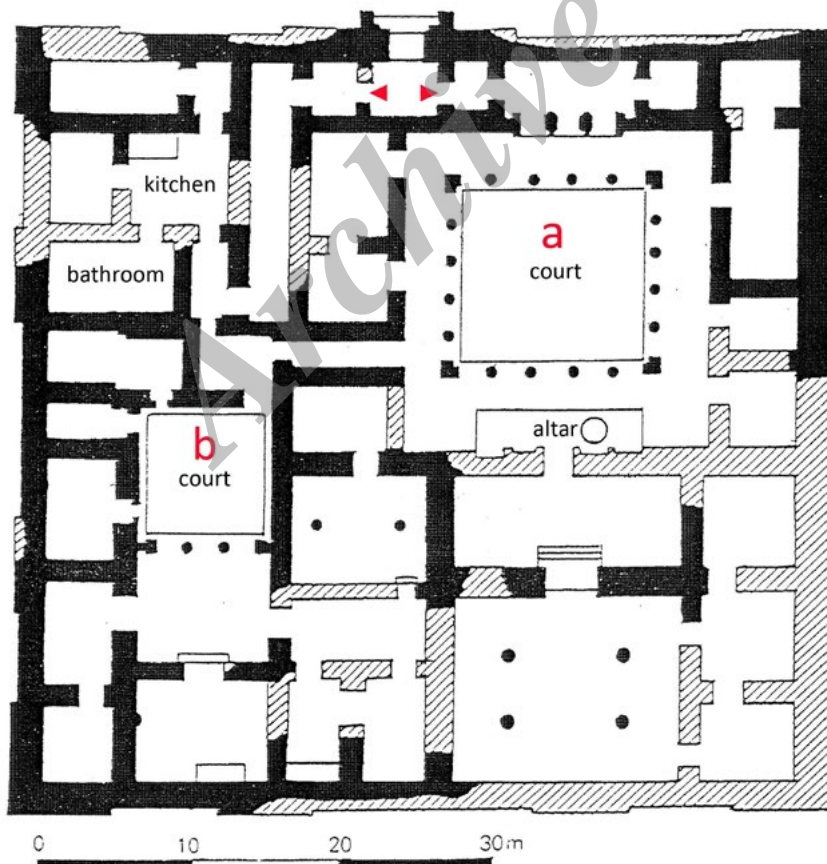
مشهورترین اثر به‌جا مانده از شاهان هخامنشی «تخت جمشید» است که به‌عنوان کاخ‌های سلطنتی می‌شناسندش. اکنون بیشتر محققان بر این باورند که این اثر بخشی از شهر پارسه بوده و بیشتر نقشی آیینی داشته است. به سخن دیگر، تخت جمشید مکان مقدس هخامنشیان به‌شمار می‌رفته و جشن‌ها و مراسم آیینی در آن انجام می‌شده است (پوپ، ۱۳۶۶: ۳۰).

«کاخ شوش» مکان مهم‌دیگر هخامنشیان محسوب می‌شده که مجموعه‌ای کوچک‌تر از تخت جمشید اما نقش درباری آن پررنگ‌تر بوده است. در این‌جا بخش تالار بارعام هم مستقل و هم در ارتباط با بخش خصوصی بوده است. به این صورت که پس از گذر از دروازه‌ی ورودی، وارد محوطه‌ای می‌شویم که در شمال آن تالار بارعام یا آپادانا، و در جنوبش بقیه‌ی قسمت‌های کاخ با ورودی جداگانه جای گرفته‌اند. بخش اندرونی از چهار حیاط بزرگ، که پیاپی و در یک محور قرار گرفته و ده‌ها اتاق در پیرامونش دارد، تشکیل شده است و با دو درگاه به پشت تالار آپادانا راه دارد (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۸۶). بنابراین در این‌جا نیز اصول آرایش معماری تا حدودی شبیه تخت جمشید است و می‌بینیم که شامل دستگاه ورودی مجموعه، بخش بیرونی (بارعام)، و بخش خصوصی با ورودی مستقل است که در عین استقلال با یکدیگر مرتبطند. (تصویر ۱)

باستان‌شناسان چند کاخ مهم از دوره‌ی اشکانیان کاوش و بررسی کرده‌اند که اکنون همه‌ی آن‌ها خارج از مرزهای سیاسی ایران قرار گرفته‌اند. یکی از بناهایی که به‌خوبی می‌تواند ویژگی‌های یک خانه‌ی سلطنتی را نشان دهد، «کاخ نیپور» در جنوب منطقه‌ی میان‌رودان است که به احتمال فراوان قدمت آن به اوایل دوره‌ی اشکانی می‌رسد. این مجموعه‌ی تقریباً مربع شکل، یک ورودی مشخص دارد که شخص وارد شونده را به دو سوی مختلف هدایت می‌کند. در یک‌سو بخش بیرونی (a) خانه را می‌بینیم که مهم‌ترین فضاهایش حیاطی رواق‌دار و اتاقی با چهار ستون است و اتاق‌های کوچک‌تری نیز در کنار آن‌ها جای گرفته‌اند. در سوی دیگر بخش اندرونی (b) قرار دارد که با راهرویی به ورودی متصل می‌شود و دارای حیاطی کوچک‌تر، آشپزخانه، حمام، و چند اتاق دیگر است (Azarnoush, 1994: 78). اتصال بخش بیرونی و اندرونی در این کاخ، با راهرویی که به دو حیاط راه دارد، صورت گرفته است (تصویر ۲).

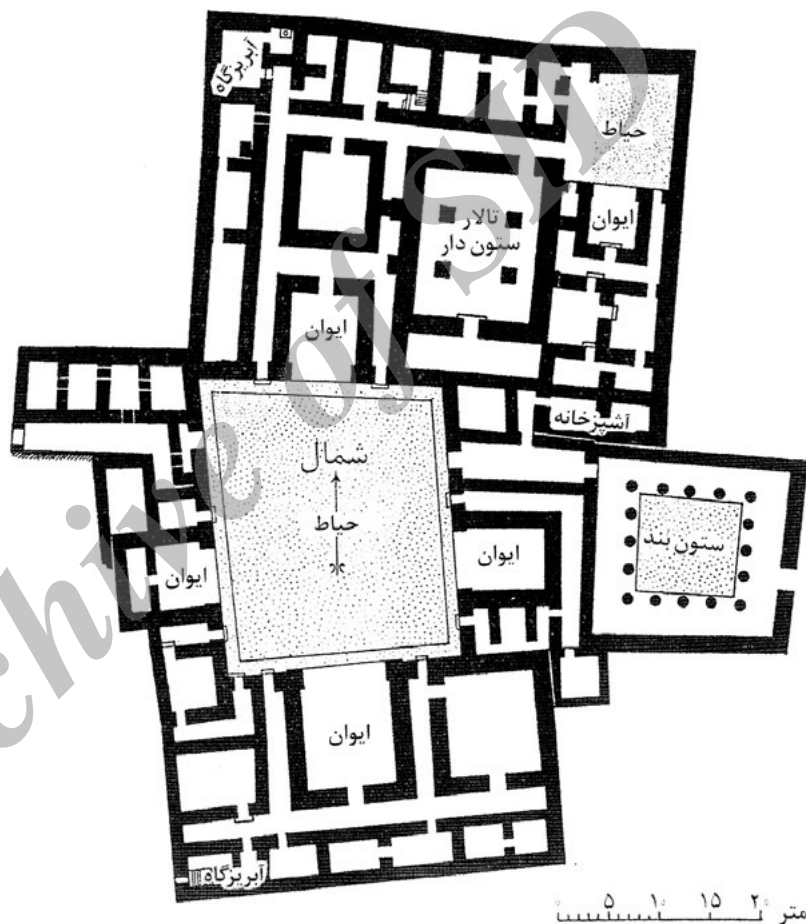


تصویر ۱: کاخ شوش. (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۸۶).



تصویر ۲: کاخ نیور در میان‌رودان. (Azarnoush, 1994: 78).

«کاخ آشور» مجموعه‌ای مفصل‌تر و پیچیده‌تر است و شاید کل آن در یک زمان ساخته نشده باشد. این اثر دارای سه حیاط مجزا است که در بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها چهار ایوان در چهار سو به چشم می‌خورد و بدین ترتیب می‌توان آن را از نخستین بناهای چهار ایوانه‌ی ایران دانست. از نقشه‌ی بنا درمی‌یابیم که دو ورودی در دو سوی شرقی و غربی داشته که به ترتیب به حیاط رواق‌دار و حیاط اصلی راه می‌یابند. از دیگر فضاهای این مجموعه می‌توان به اتاق ستون‌دار، حمام، و آشپزخانه اشاره کرد. اتاق ستون‌دار جدا از حیاط قرار گرفته و شاید برای منظوری خاص بوده است. (تصویر ۳) «اتاق‌های باقی‌مانده در کاخ پارتی آشور در



تصویر ۳: کاخ آشور. (Reuther, 1938: 435).

جدول بررسی تطبیقی کاخ‌های هخامنشیان و پارتیان

بخش مذهبی	اندرونی	بیرونی	میان‌سرا	ایوان	کارکرد اصلی	
کاخ شوش	دارد	دارد	دارد	دارد	مسکونی - تشریفاتی	کاخ شوش
کاخ نیپور	دارد	دارد	دارد	ندارد	مسکونی	کاخ نیپور
کاخ آشور	دارد	دارد	دارد	دارد	مسکونی - تشریفاتی	کاخ آشور

ردیف‌های تکی در اطراف هر چهار ایوان چیده شده و با یک راهرو تاق‌پوش، که سه طرف ایوان را احاطه کرده، از آن‌ها جدا شده‌اند. این راهروهای جدا کننده، که عبور مستقیم از یک اتاق به اتاق دیگر را ناممکن می‌سازد، دوباره در معماری ساسانی و کاخ‌های اوایل [دوره‌ی] اسلامی، مانند قصر شیرین و اخیضر، ظاهر می‌شوند. (Reuther, 1938: 435).

معماری کاخ‌ها و خانه‌های اشرافی در دوره‌ی ساسانیان

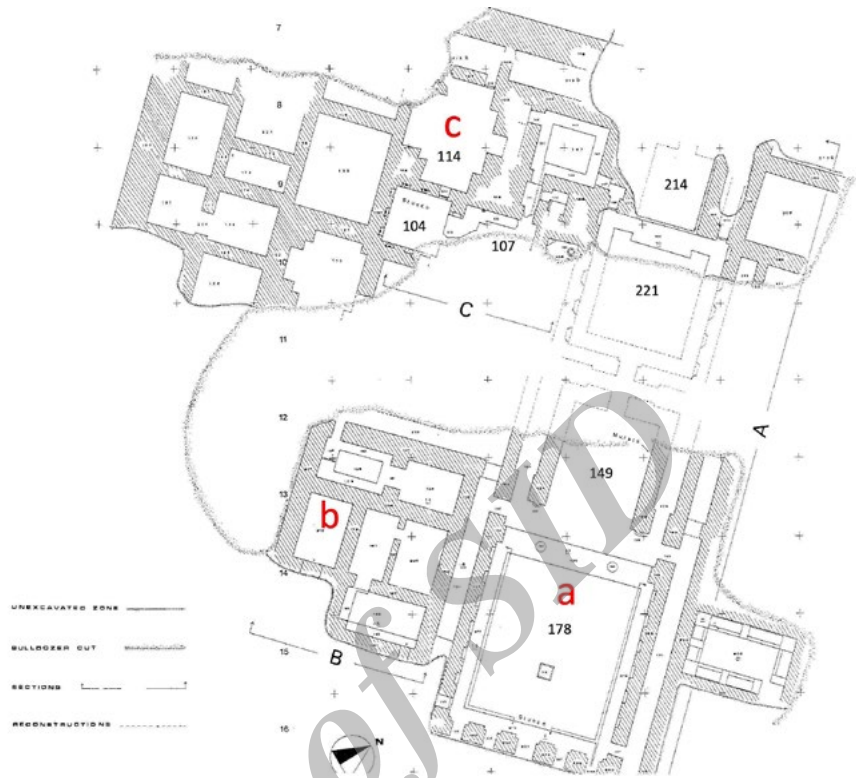
از دوره‌ی ساسانی آثار بیشتری می‌شناسیم که بسیاری از آن‌ها را کاخ نامیده‌اند. در این‌جا بناهایی را مطالعه خواهیم کرد که بیشتر اطمینان داریم که خانه یا کاخ هستند. نخستین بنایی که بررسی می‌کنیم خانه‌ی اربابی در «حاجی‌آباد»، در جنوب دارابگرد است، زیرا نتایج آن به درک بهتر فضاهای دیگر خانه‌ها و کاخ‌های ساسانی کمک می‌کند. این مجموعه‌ی مفصل را مسعود آذرنوش کاوش و بررسی کرده است^۱ (تصویر ۴). در این مجموعه با حوزه‌های گوناگونی مواجه می‌شویم که نخستین آن‌ها بخش بیرونی (a) یا دیوان عام است که حیاطی محصور و ایوانی رو به آن دارد. این حیاط دیوارهایی تاقچه‌دار و پرداخت شده و دو ستون در انتهایش دارد و دو راهرو آن را از حوزه‌های دیگر تفکیک کرده‌اند. سه طرف ایوان را نیز راهرویی، مانند ایوان‌های کاخ آشور، محاط کرده است. انتهای ایوان باز است و در ادامه، پس از گذر از راهرو، به حیاط و ایوانی کوچک‌تر منتهی می‌شود که شاید دیوان خاص بوده است. حوزه‌های سکونتی (b) در غرب مجموعه قرار گرفته‌اند، اما به علت کامل نشدن کاوش‌ها در این بخش، درباره‌ی دسترسی و ارتباط‌های آن‌ها اطلاعات کم‌تری داریم. بخش مذهبی (c) مجموعه در شمال غربی آن است. این کارکرد را کاوش‌گر اثر به علت یافتن تزئینات گچی فراوان در آن‌جا، پیشنهاد داده است (Ibid: 94). وی در تاقچه‌های اتاق (۱۱۴)، مجسمه‌های نیم‌تنه‌ی سلطنتی و نیز نقش‌هایی از زنان و کودکانی که انگور به‌دست دارند، یافته و آن را با ایزد آناهیتا مرتبط دانسته؛ همچنین اتاق چلیپایی (۱۰۴) مجاور آن را نیایشگاه خصوصی مجموعه نامیده است (Ibid: 94).

مجموعه‌ی کاخ شهر «بیشاپور» متعلق به اوایل دوره‌ی ساسانیان است و نخستین بار رومن گیرشمن^۲ آن را کاوش و بررسی کرده است. او در تحلیلش از معماری مجموعه، ساختار آن را در مقایسه با بناهایی که آن زمان به کاخ فیروزآباد و سروستان معروف بودند، نامعمول دانسته و گفته است که «رابطه‌ی بسیار ضعیفی بین تالار و ایوان وجود دارد، در تمام کاخ‌ها یا بناهای ساسانی مهمی که می‌شناسیم، ایوان در محور مجموعه یک کالبد را می‌سازد. ... ایوان بیشاپور به‌جای آن‌که در محور مهم کاخ برپا شود، به موازات تالار بزرگ چلیپا شکل قرار گرفته است.» (گیرشمن، ۱۳۷۵: ۲۷). در دو دهه‌ی گذشته مطالعات تازه‌ای روی این اثر انجام گرفته و نظرات جدیدی درباره‌ی آن مطرح شده است. مسعود آذرنوش، برخلاف نظر گیرشمن، معتقد بود که اتاق چلیپایی بیشاپور نمی‌توانسته است تالار بارعام باشد، زیرا بسیار بسته است و دور تا دور آن را راهرویی احاطه کرده. او این اتاق را با اتاق چلیپایی (۱۰۴) حاجی‌آباد و نوشیجان تپه مقایسه کرده و آن را نمازخانه‌ی خصوصی کاخ نامیده است (Azarnoush, Ibid: 85). لایونل بی‌یر نیز

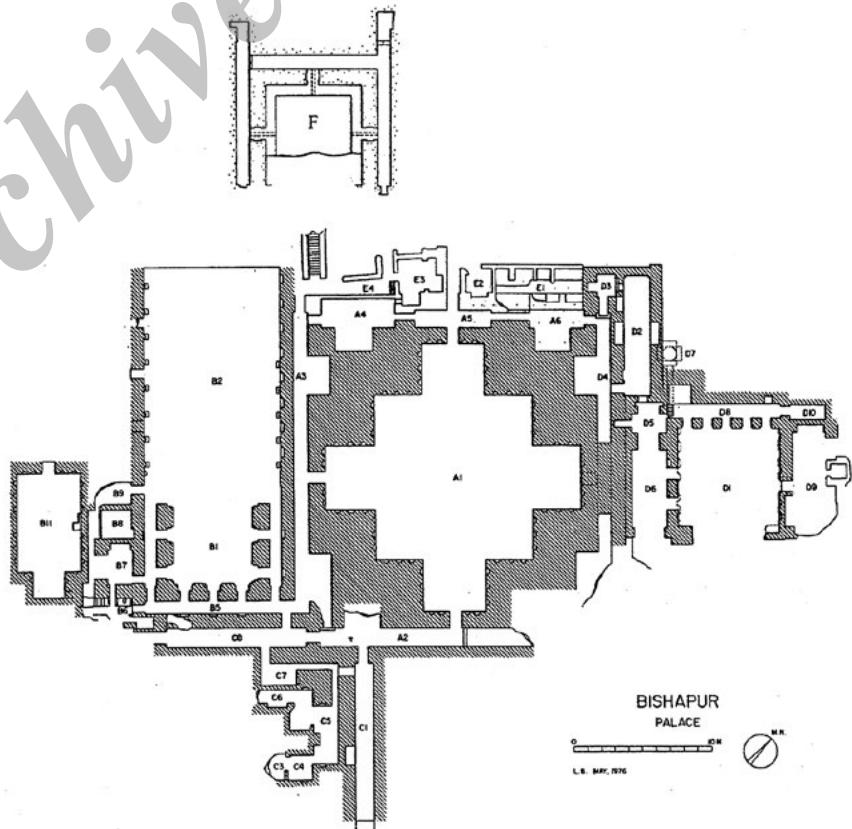
۱. همه‌ی این اثر به طور کامل از زیر خاک بیرون نیامده و بخش‌هایی از آن نیز از میان رفته است.

2. Romain Ghirshman

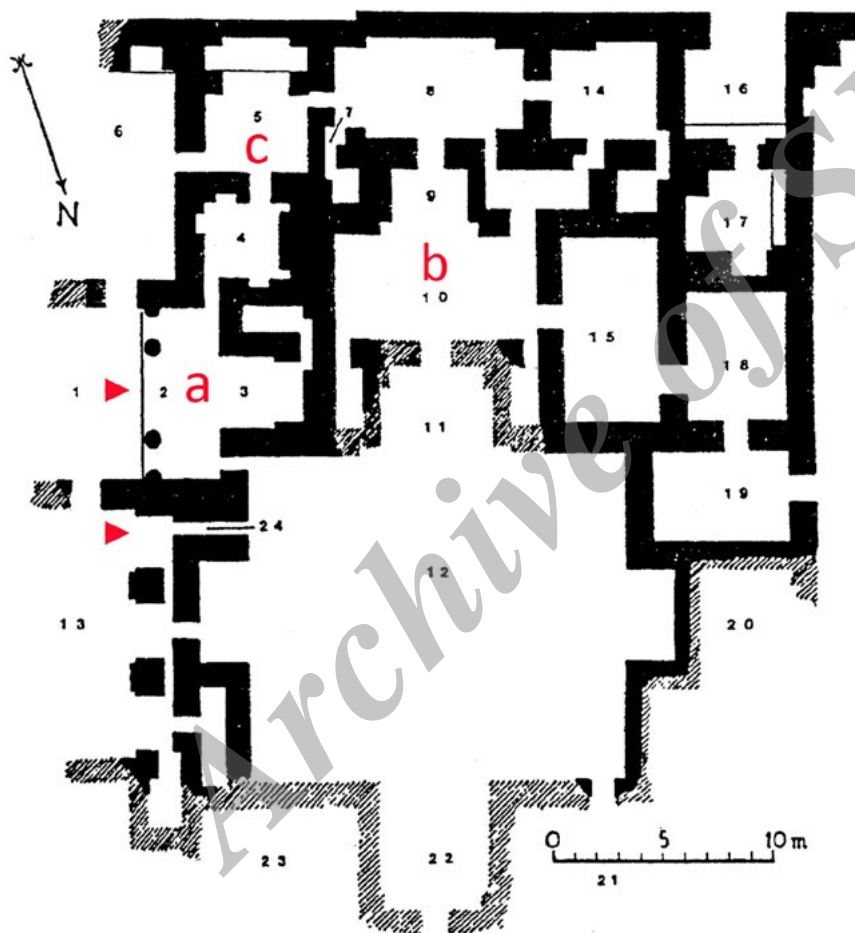
تصویر ۴: خانه‌اربابی حاجی‌آباد
(Azarnoush, 1994: 94)



تصویر ۵: مجموعه کاخ بیشاپور
(Azarnoush, 1994: 83)



این پیشنهاد را منطقی دانسته و درباره‌ی وجود چنین فضاهایی در کاخ‌های ساسانی نظرش را این‌گونه بیان کرده است: «ما از روی کتیبه‌ی پهلوی کعبه زردشت در نقش رستم^۱ می‌دانیم که، به‌طور مثال، شاه و ملکه و اعضای دربار سلطنتی، هر روز [مراسم] قربانی مذهبی داشتند، بنابراین می‌توانیم [این‌گونه] بپنداریم که کاخ‌ها و شاید سکونت‌گاه‌های کوچک‌تر شاهی، مانند برخی گونه‌هایی که در تیسفون کشف شدند، دارای نمازخانه بودند.» (Bier, 1993: 58). بر این اساس قاعدتاً کاخ بیشاپور نیز دارای چندین حوزه‌ی گوناگون درباری، مذهبی، و خصوصی بوده است که بخش‌های مسکونی آن یا هنوز کاوش و بررسی نشده یا این‌که از میان رفته است. (تصویر ۵)



تصویر ۶: خانه‌ی المعارید در تیسفون (Azarnoush, 1994: 79).

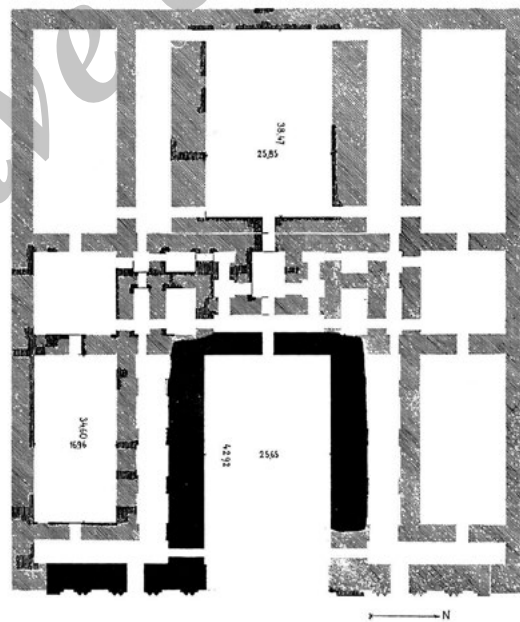
در خانه‌هایی ساسانی که در تیسفون کاوش شده‌اند نیز جدایی بخش بیرونی و اندرونی و نامتقارن بودن بنا را می‌یابیم. مثلاً در خانه‌ای در «المعارید»، بخش بیرونی (a) دارای ایوانی T شکل و ستون‌دار، و بخش اندرونی (b) دارای حیاطی بزرگ و چهار ایوانه و فضاهایی در اطرافش است (تصویر ۶). این بخش هم به بخش بیرونی و هم مستقیماً به محیط خارج دسترسی دارد و ایوان دیوان خاص و حوزه‌های مسکونی در جنوب‌غربی آن جای گرفته‌اند. بخش مذهبی خانه احتمالاً

۱. ن. ک. به: عربیان، ۱۳۸۲: ۷۲.

در اتاق‌های (۴) و (۵) بوده و به هر دو بخش بیرونی و اندرونی راه داشته است (Azarnoush, Ibid: 91). در این خانه‌ها و نیز خانه‌های پارسی معمولاً سه گونه اتاق دیده می‌شود: یک، دارای چهار ستون و تقریباً مربع‌شکل؛ دو، مستطیلی کشیده که اغلب به یک اتاق چهارگوش در محور بنا راه دارد. سه، مستطیلی یا مربعی که دارای یک یا چند تاقچه است (Reuther, 1938: 549).

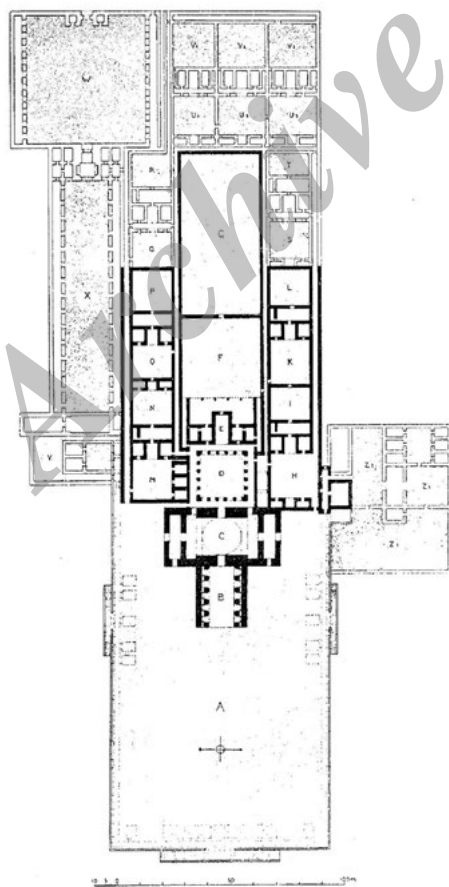
«ایوان خسرو» یا «تاق کسری» مشهورترین بنای شاهان ساسانی و نشان دهنده‌ی شکوه و عظمت دربار آن‌هاست. بخش اندکی از این بنا، که ساخت آن را به شاپور یکم و خسرو یکم و دوم نسبت می‌دهند، سر پا مانده و به‌نظر می‌رسد فقط بخش رسمی آن کاوش شده است. مهم‌ترین فضای آن، ایوان عظیم معروفش است که در مرکز قرار گرفته و داستان‌هایی چند درباره‌ی آن گفته‌اند. دور تا دور ایوان را راه‌رویی، مانند برخی نمونه‌های پیشین، احاطه کرده است که هم به ایوان و هم به دو اتاق دو سویه دسترسی دارد و از محیط بیرون نیز مستقیماً می‌توان به آن راه یافت. در انتهای ایوان درگاهی است که نخست به راه‌روی مذکور و سپس به اتاقی کوچک و در پایان به فضایی بزرگ می‌رسد که عرض آن برابر ایوان اما طولش کم‌تر، و فضاهای اطرافش تقریباً مشابه ایوان اصلی است، اما نمی‌دانیم که سقف داشته یا مانند حیاطی باز بوده است (تصویر ۷). اسکار روتر، که از نخستین کاوش‌گران و مطالعه‌کنندگان این بناست، از چگونگی آرایش معماری آن تعجب کرده و گفته است که «آرایش تاق

تصویر ۷: ایوان خسرو در تیسفون (Reuther, 1938: 544).



کسری، که بزرگ‌ترین مقیاس را در میان سکونت‌گاه‌های سلطنتی ساسانیان دارد، از طراحی پیروی می‌کند که کاملاً برخلاف قاعده‌ی معمولی است که به‌طور نمونه در کاخ‌های فیروزآباد، سروستان، و دامغان نشان داده شده و به‌همان اندازه نیز از کاخ‌های تراس‌دار قصرشیرین و هاوش کوری متمایز است.» (Reuther, Ibid: 543) اما این آرایش با بخش دیوان یا تالار بارعام کاخ‌ها و خانه‌های سلطنتی

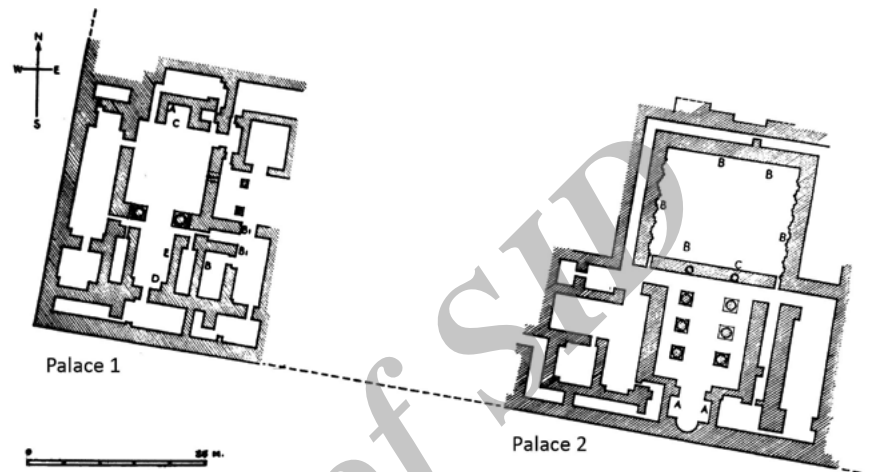
ساسانیان هم‌خوانی بسیار دارد و در کاوش‌های تازه‌تر مشخص شده که این بنا به حیاطی باز می‌شده و ایوانی دیگر روبروی آن بوده است. (یارشاطر، همان: ۵۶۴) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اثر کاملاً متقارن به‌جا مانده، تالار بارعام شاهنشاه ساسانی بوده و بخش‌های دیگر این کاخ از میان رفته است. چند بنای دیگر منسوب به دوره‌ی ساسانی را نیز می‌شناسیم، اما درباره‌ی زمان ساخت و کارکرد بخش‌های مختلفشان اطلاعات کافی نداریم. مشهورترین آن‌ها بنایی است در قصر شیرین که آن را «عمارت خسرو» یا کاخ خسرو پرویز نامیده‌اند. کل مجموعه بسیار عظیم است و در حدود ۳۷۲ متر طول و ۱۹۰ متر عرض دارد. در بخش شرقی صفه‌ای با ۲۸۵ متر طول، ۹۸ متر پهنا و حدود ۸ متر ارتفاع دیده می‌شود. روی صفه، نخست، یک ایوان و پشت آن اتاقی بزرگ و سپس حیاطی ستون‌دار قرار گرفته است. روتر این اتاق را گنبددار تصور کرده، اما شواهدی برای این کار ارایه نداده است. (Ibid, 540) در کنار صفه مجموعه حیاط‌هایی به‌همراه اتاق‌ها و ایوان‌هایی بوده که برخی کارکرد خدماتی داشته‌اند. در جنوب‌غربی مجموعه نیز یک ورودی و حیاطی بزرگ و مربع شکل به‌چشم می‌خورد که در ادامه به حیاطی بسیار کشیده می‌رسد. در مجموع به علت تردیدهایی که درباره‌ی نقشه و بازسازی‌های فرضی بخش شرقی مجموعه و همچنین تاریخ ساخت اثر وجود دارد، نمی‌توانیم آن را به درستی بررسی و درباره‌اش اظهار نظر کنیم. (تصویر ۸)



تصویر ۸: عمارت خسرو در قصر شیرین (Reuther, 1938: 541).

در جنوب منطقه‌ی میان‌رودان، در جایی به نام کیش، مجموعه‌ی آثاری کشف شده که به «کاخ‌های کیش» معروف است. مهم‌ترینشان دو بنایی است که آن‌ها را کاخ‌های یک و دو نامیده‌اند. این دو ساختمان، که نقشه‌ای کامل ندارند، با یکدیگر مقداری فاصله داشته و ممکن است متعلق به مجموعه‌ای بزرگ‌تر بوده باشند (Bier, Ibid: 57) (تصویر ۹) در «کاخ یک» ورودی قابل تشخیص و اتاق

تصویر ۹: کاخ‌های یک و دو کیش در میان‌رودان (Bier, 1993: 65).



جدول بررسی تطبیقی

کارکرد اصلی	ایوان	میان‌سرا	بیرونی	اندرونی	نمازخانه
خانه‌اربابی حاجی‌آباد	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد
خانه‌المعارید	دارد	دارد	دارد	دارد	دارد
کاخ بیشاپور	دارد	احتمالاً دارد	دارد	نامشخص	دارد
ایوان خسرو	دارد	احتمالاً دارد	دارد	دارد	نامشخص
عمارت خسرو	دارد	دارد	دارد	دارد	نامشخص
کاخ‌های کیش	دارد	دارد	دارد	نامشخص	احتمالاً دارد

مرکزی، به‌طور مستقیم، قابل دسترسی نیست. در این فضا دو حوض کم‌عمق و گرد، به شکل متقارن، قرار گرفته‌اند. به‌نظر واتلین، کاوش‌گر اثر، «از سامانه‌ی درها و گذرگاه‌های باریک چنین بر می‌آید که ساختمان را به گونه‌ای طراحی کرده‌اند که گردش رفت و آمد را بتوان هدایت و نظارت کرد.» (Watelin, 1938: 584) «کاخ دو» دارای نقشه‌ای متفاوت و شاید مهم‌تر بوده است. فضایی احتمالاً روباز در شمال آن وجود دارد که دیوارهای شرقی و غربی آن دارای نیم‌ستون و تاقچه‌هایی است. در اتاق مرکزی دو ردیف ستون و دو حوض با همان وضعیت کاخ یک دیده می‌شود. در انتهای جنوبی آن، فضایی مخارجه‌مانند وجود دارد که انتهای آن به شکل نیم‌دایره است. تفاوت در نقشه‌ی بنا می‌تواند به معنای تفاوت در کارکرد آن‌ها باشد و شاید کاخ دو نقشی آیینی داشته است (Ibid: 586).

نتیجه‌گیری

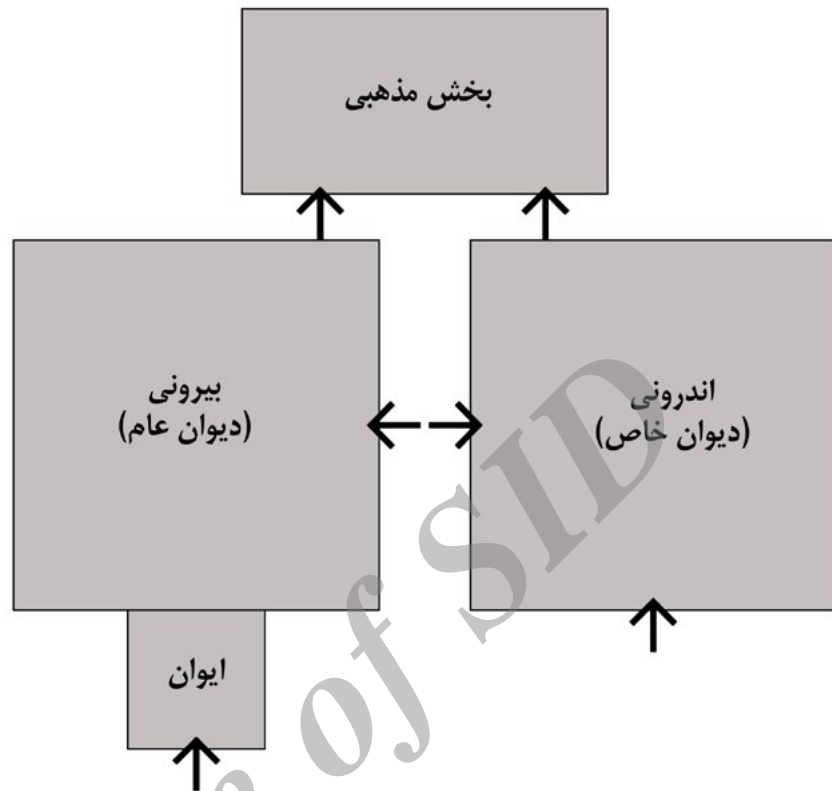
به علت پیوند دین و دولت در حکومت ساسانیان، مراسم درباری و مذهبی مشترکات زیادی داشت. به احتمال فراوان شاهان یک بار در تخت‌گاه سیاسی و بار دیگر در تخت‌گاه دینی، در آتشکده و در حضور روحانیان، تاج‌گذاری می‌کردند و به این ترتیب به سلطنت‌شان اعتبار می‌بخشیدند. بر اساس متون و کتیبه‌های تاریخی، در زندگی روزمره‌ی دربار نیز آیین‌های مذهبی دارای نقش پررنگی بوده و احتمالاً فضاهایی در کاخ‌ها و خانه‌های اشرافی به این رویدادها اختصاص داشته است.

درباره‌ی عرصه‌های زندگی در دوره‌ی ساسانی، به‌ویژه سکونت‌گاه‌های مردم عادی، اطلاعات دقیقی نداریم، اما می‌دانیم بخش عمده‌ای از جمعیت آن زمان، کوچ‌رو بوده و در کنار جمعیت ساکن هم‌زیستی می‌کرده‌اند. شاهان و بزرگان نیز احتمالاً در شهرهای حاکم‌نشین سکونت می‌کردند، اما به‌علی‌چند، شواهد اندکی در این باره داریم. افزون بر آن، شاهان و درباریان هم برای زندگی روزانه و هم برای زمان‌های شکار و جنگ از خیمه و خرگاه‌های باشکوهی استفاده می‌کردند که با چادرهای مردم عادی متفاوت بود و حتی در آن تخت‌شاهی را قرار می‌دادند. از این‌رو نباید تصور کنیم که شاهان و درباریان در همه‌ی اوقات زندگی خود نیاز به کاخ‌ها و کوشک‌های بزرگ داشته‌اند.

درباره‌ی کاخ‌های هخامنشی اطلاعات دقیقی نداریم، اما بر اساس ویرانه‌های موجود مشخص شده که بخشی از بنا به بارعام یا مراسم آیینی اختصاص داشته و بخشی دیگر خصوصی‌تر و دارای ورودی جداگانه‌ای بوده است. در کاخ‌های پارتی آشور و نیپور ویژگی‌های مشترکی مانند حیاط‌های متعدد، بخش اندرونی و بیرونی، فضاهای متنوع و خدماتی مانند آشپزخانه و حمام دیده می‌شوند. از دیگر کاخ‌ها و خانه‌های این دوره اطلاعات بسیار اندکی داریم.

با شناخت بهتر کیفیت زندگی در دربار ساسانیان و عرصه‌های زندگی آنان و نیز آرایش معماری و فضاهای بناهای سکونتی دوران پیش از آن، می‌توانیم قضاوت درست‌تری درباره‌ی آثار دوره‌ی ساسانیان انجام دهیم. یکی از نتایج مهم این است که کارکرد اصلی برخی بناها مانند ایوان خسرو و کاخ بیشاپور تشریفاتی بوده و برخی مانند کاخ خسرو و حاجی‌آباد کارکردی سکونتی داشته‌اند. بررسی کاخ‌ها و سکونت‌های اشرافی این دوره مشخص شد که مهم‌ترین ویژگی‌های معماری آن‌ها چنین است: ۱. کل بنا، در مجموع، ساختاری غیر متقارن دارد، گرچه در بخش‌هایی که رسمی‌تر به نظر می‌رسند، تقارن رعایت شده است مانند ایوان خسرو یا بخش (a) در خانه اربابی حاجی‌آباد؛ ۲. بخش اندرونی (دیوان خاص) و بیرونی (دیوان عام) از یک‌دیگر تفکیک شده، و هم‌چون برخی کاخ‌های پارتی و هخامنشی، دارای ورودی‌های مستقل هستند مانند خانه‌ی المعارید و حاجی‌آباد؛ ۳. در همه‌ی بناهای مطالعه‌شده تنوع فضایی فراوانی به چشم می‌خورد و در برخی نیز فضاهای خدماتی چون آشپزخانه و حمام مانند عمارت خسرو. ۴. در شماری از کاخ‌ها و خانه‌های ساسانی نمازخانه‌ی خصوصی کشف شده است که وجود آن با در نظر گرفتن برگزاری آیین‌های مذهبی در زندگی روزانه‌ی دربار و دیگر طبقات

تصویر ۱۰: ساختار کلی کاخ‌های مسکونی و خانه‌های اشرافی ساسانیان (ترسیم: نگارنده).



مردم منطقی به‌نظر می‌رسد که نمونه‌های آن را در بخش (C) خانه اربابی حاجی‌آباد و المعارید و احتمالاً کاخ بیشاپور می‌بینیم. ۵. ایوان‌ها نقش پررنگی در ساختار معماری این آثار داشته و در بسیاری از موارد، مختص بخش رسمی یا بار عام بوده‌اند. گاهی نیز در اطرافشان، هم‌چون نمونه‌های پارتی، راهروهای جداکننده دیده می‌شود، مانند ایوان خسرو و خانه اربابی حاجی‌آباد. نتیجه‌ی مهم پایانی این‌که به علت نقش مهم مراسم تشریفاتی و مذهبی در زندگی روزانه‌ی دربار، در ساخت کاخ‌ها نیز فضاهای ویژه‌ای را به این امور اختصاص داده‌اند، بنابراین در بسیاری از آن‌ها امکان روی دادن سه کارکرد سکونت و تشریفاتی و مذهبی فراهم شده است.

منابع

- پوپ، آرتور، ۱۳۶۶، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، ارومیه: انزلی.
- پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۴، سبک‌شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: سروش دانش.
- پیگولوسکایا، ن، ۱۳۷۷، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی.
- دریایی، تورج، ۱۳۸۴، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثابتی‌فر، تهران: ققنوس.

- رجیبی، پرویز، ۱۳۸۲، هزاره‌های گمشده، ج ۵، ساسانیان، تهران: توس.
- عریان، سعید، ۱۳۸۲، راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- فرای، ریچارد نلسون، ۱۳۸۳، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- طهماسبی، احسان، ۱۳۸۷، «آتشکده‌ی فیروزآباد، معنا و مکان»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی مطالعات معماری ایران، به راهنمایی دکتر محمدرضا رحیم‌زاده و مهندس سیدمحمد بهشتی، دانشگاه شهید بهشتی، منتشر نشده.
- کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۸۲، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- کریستنسن، آرتور، ۱۳۸۴، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.
- کلایس، ولفرام، ۱۳۸۷، «کاخ‌های صفوی»، ترجمه احسان طهماستی، گلستان هنر، ش ۴، تهران: فرهنگستان هنر، ۶۸-۷۳.
- گیرشمن، رومن، ۱۳۷۵، بیشاپور، ج ۲، ترجمه اصغر کریمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، ۱۳۸۲، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- هوف، دیتریش، ۱۳۷۹، «معماری ایران در دوره‌ی ساسانیان»، در: قلعه دختر- آتشکده، به گردآوری هانس هوگی، ترجمه فرزین فردانش، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۹-۲۶.
- یارشاطر، احسان، و دیگران، ۱۳۸۰، تاریخ ایران، از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ج ۳، ق ۲، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- Azarnoush, Massoud. 1994. The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran. Monografie di Mesopotamia III, Florence, and Casa Editrice Le Lettere.
- Bier, Lionel. 1993. "The Sasanian Palaces and Their Influence in Early Islam". *ArsOrientalis*, vol 23: 57-66.
- Bier, Lionel. 1986. *Sarvistan, a Study in Early Iranian Architecture*. Pennsylvania: The Pennsylvania state university press.
- Reuther, Oscar. 1938. Parthian Architecture. In: *A survey of Persian Art*, vol. 1. ed. Arthur Upham Pope. Oxford University. 411-444.
- Reuther, Oscar. 1938. Sasanian Architecture. In: *A survey of Persian Art*, vol. 5. ed. Arthur Upham Pope. Oxford University. 493-578.
- Watelin, L. C. 1938. The Sasanian building near Kish. In: *A survey of Persian Art*, vol. 5. ed. Arthur Upham Pope. Oxford University. 584-592.